علم

بقا به قیمت بیگاری .....

روشنی های فانوس خیال ۱۴

پزشکی

گفت و گو با مجید سمیعی .....

دومین مورد پیوند صورت در چین ۱۵

خانه

چند غذا با طعم کاری .....

چه رژیمی نیازهای روزانه بدن را تامین می کند ۱۶

جامعه

چهار ماه پس از زلزله در قشم

اینجا همه خوشبخت اند

ثمانه قدرخان

گروه اجتماعی: زلزله آمد. روستاهای کاروان، گورزین، کوشه، توریان، باغ بالا، خالدین و تنبان تا ۵۰ درصد خسارت دیدند.

چهار ماه پیش زلزله جزیره قشم را لرزاند و مردم بسیاری را مثل همیشه و خیلی تکراری بی خانه کرد. وقوع زلزله ساعت ۲ بعدازظهر بود که زمان آن باعث شد خسارت جانی چندانی نداشته باشد. ولی روستاهای درگیر زلزله تخریب شدند. آسیب دیده ترین روستا در منطقه «درگهان» روستای گورزین بود که صددرصد تخریب شد و مردم آن هم اکنون در چند صدمتری روستای خود در یک محوطه مسطح خاکی در چادرهای هلال احمر زندگی می کنند. این منطقه آفتاب سوزنده ای دارد، مردم از ابتدایی ترین امکانات دورند. دکتر در این منطقه نیست. زنان باردار هم مشکل زایمان خود را به سنتی ترین شکل آن حل می کنند. بچه ها در گرمای بیابان این منطقه داخل کانکس های کوچک با هوای نفس گیر درس می خوانند و دام ها یکی پس از دیگری تلف می شوند. مردم مدت ها است که گوشت نخورده اند و توهم بیماری آنفلوآنزای مرغی میان اهالی روستا شیوع پیدا کرده است. هر کس تب می کند، می گویند آنفلوآنزای مرغی دارد. اکنون ۴ ماه از زلزله گذشته است و چند روستای دیگر هم همین وضع را دارند. ولی مردم گورزین هیچ شکایتی ندارند و می گویند: «ما از دولت راضی هستیم»! این چند تصویر تند و پشت سر هم می آیند و می روند و قصه را تکراری تر می کند. زلزله خسارت دارد، غصه دارد، افسوس دارد و جبران ندارد. داشته ها و نداشته ها زیر آوار جا می مانند و هر کس بیدار بود و پا داشت با جان خود فرار می کند. همه زلزله ها همین شکل اند.

■ یادگارهای چوبی

اگر بخواهی با اهالی روستا صحبت کنی می توانی درب چوبی قدیمی خانه ها را که الان به دیوارهای چادرها اتکا دارند بزنی و از امروز زندگی در این بیابان بدون آب بپرسی هر چند دریای شور از اینجا به خوبی پیداست. این درهای چوبی آخرین یادگار خانه های قدیمی روستای قدیمی تر گورزین است که مردم با خودشان به این بیابان آورده اند.

محمد گورزینی یکی از اهالی روستا است که با خانواده خود در این چادرها زندگی می کند. او می گوید: «۴ ماه است که در این چادرها زندگی می کنیم، در این مدت بعضی از اهالی روستا مریض شدند و مردند. بعضی ها اسهال و استفراغ گرفته اند. فکر کنم آنفلوآنزای مرغی داشته اند.»

همسرش میان حرف های او می دود که: «یک بچه یک ساله چند وقت پیش مرد، اسهال و استفراغ گرفت ولی نفهمیدیم چرا مرد. ما دکتر نداریم اگر دکتر بخواهیم باید ۳۰ کیلومتر برویم به یک روستای دیگر که باید ۵ هزار تومان کرایه بدهیم تا به آنجا برسیم.» ولی مردان این روستا بیکارند و داشتن پول خنده دارترین دارایی اهالی است و مردم مشکلات رفتن به قشم برای دکتر را هم مستلزم پرداخت ۱۵ هزار تومان کرایه ماشین می دانند که باید نبود درآمد را برای آن در نظر بگیرند.

زن دیگری می گوید: «۱۵ روز اول که در اینجا مستقر شدیم یک دکتر بود ولی بعد رفت.» همه مردم روستا به این چادرها نیامده اند، عده ای هم در روستای خالی و خراب خود مانده اند که ۱۵ خانوار بیشتر نیستند. ولی در حال حاضر ۳۵۰ خانوار در چادرها زندگی می کنند.

این ۳۵۰ خانوار مشکل معیشت دارند و مردان آنها روزهای بیکاری را تجربه می کنند.

■ تجربه تکراری مدرسه های زلزله ای

اما بچه ها وضعیت دیگری دارند، آنها در کانکس ها مدرسه می روند البته چند چادر هم برای درس خواندن برپا کرده اند که بیشتر پسرها را در آن جای داده اند تا دختران بتوانند روزهای مدرسه را در کانکس تجربه کنند. بچه ها فقط تا سوم راهنمایی به آموزش دسترسی دارند. به جای آن، آمادگی و مهدکودک نیز در این چادرها ایجاد شده است. در کل ۵ کانکس در این منطقه برای مدرسه برپا شده است، مقطع راهنمایی و ابتدایی پسرانه در چادرها تشکیل می شود و برای دبیرستان باید همه به قشم بروند.

رئیس شورای روستا می گوید: «از روز اول به ما گفتند ۶ ماه در اینجا بمانید تا خانه هایتان درست شود، الان ۴ ماه گذشته ولی هنوز معلوم نیست که چه مدت زمانی باید اینجا بمانیم تا خانه هایمان درست شود.»

یکی از اهالی روستا هم می گوید: «منتظریم.» می پرسم منتظر چه چیزی؟ جواب می دهد: «منتظر اینکه یه روز برامون یه کاری بکنند.» یک زن دیگر می گوید: «تابستان چه کار کنیم؟ گرمای اینجا قابل تحمل نیست.»

این مردم مشکل آب شیرین آشامیدنی هم دارند. یک تانکر فلزی زیر آفتاب در یک گوشه به چشم می خورد، خیلی بزرگ نیست و کسی نمی داند چند لیتر گنجایش دارد. من هم نتوانستم حدس بزنم ولی چندان بزرگ نیست. اما هر تانکر برای استفاده ۲۰ خانواده در نظر گرفته شده است. ۹ تانکر آب به همین اندازه در نقاط مختلف این منطقه پراکنده است و ۳۵۰ خانواده باید از آنها استفاده کنند. به محض رسیدن میان چادرها دختربچه ها و پسربچه ها دوره ام می کنند. یکی از بچه ها می گوید: «اینجا بره است.»

اینجا هم دهیار دارد هم شورای روستا. دهیار نیست، زن ها می گویند با امام جمعه رفته گشت زنی میان نخل ها. این تفریح روزهای جمعه است. بعضی از بچه ها را هم با خودشان برده اند تا حال و هوایشان عوض شود و تفریح کنند.

یک دستشویی روباز میان چادرها هست یک کانکس نسبتاً بزرگ هم برای حمام در نظر گرفته شده است. اهالی می گویند کانکس حمام را شرکت گاز درست کرده است. مردم روستا علاقه عجیبی به سریال «شب های بره» دارند. خوش به حال مهران مدیری. چون یک هفته بعد از زلزله برایشان برق کشی انجام داده اند و آنها هر شب با تلویزیون عجین بوده اند.

عبدالله زنده جان رئیس شورای روستا است. موقع ناهار وارد چادرش شدیم. همه اهالی جمع شدند و تقریباً نقطه بدون آدم دیده نمی شد. زنده جان می گوید: «در زلزله کشته ندادیم، فقط ۵ یا ۶ نفر زخمی شدند. ولی روستا صددرصد تخریب شد.» رئیس شورای روستا دلیل زنده ماندن اهالی را زمان وقوع زلزله می داند و می گوید: «چون ظهر زلزله آمد مردم آسیب جانی ندیدند در غیر این صورت معلوم نبود چه اتفاقی می افتاد.»

زنده جان می گوید: «از هفت نفر بیشتر دو چادر داده اند.» او هم از نبودن دکتر شکایت دارد. می گوید: «خانه بهداشت داریم که در آن آمپول و واکسن هست. ولی دکتر نداریم.» او می گوید: «اکثریت مردها بیکارند.»

در مورد توزیع غذا هم توضیح می دهد: «ماهی یک بار جیره غذا می آورند که شامل لوبیا، تن ماهی، برنج، قند و چای و روغن است. ولی این بار فقط حبوبات و قند و شکر آوردند.»

ساخت خانه های این مردم هنوز شروع نشده است. تابستان قشم هم در راه است. بچه ها نمی توانند تابستان را در کانکس های داغ درس بخوانند، زنان هم وسط بیابان، در کنار شن های داغ به سختی آشپزی می کنند و هنوز خانه ندارند و باید چادرها را تحمل کنند. الان هم که تهران بهار را تجربه می کند، تابستان خودش را زودتر به قشم رسانده است و چهره مسافران نوروزی هم آفتاب سوخته می شود.

عبدالله زنده جان می گوید قرار است وام بدهند و توضیح می دهد: «۱/۵ میلیون تومان وام بلاعوض می دهند و ۷ میلیون وام با بهره ۴ درصد که باید طی ۱۵ سال پول آن را پس بدهیم.» وی در مورد متراژ خانه ها عنوان می کند: «با این وام فقط می توانیم خانه های ۶۰ الی ۸۰ متری بسازیم.» در حالی که توضیح می دهد که خانه هایشان در روستا ۷۰۰ تا ۸۰۰ متر بوده است و می گوید: «نخل داشتیم و کشاورزی می کردیم. البته امسال می توانیم محصولات خرمای درختانمان را بفروشیم.» هر چند اهالی روستا منتظر ساخته شدن خانه های خود هستند ولی هنوز زمان اعطای وام آنها مشخص نیست. در این مدت دام های اهالی روستا تلف شده اند و مردم می گویند جهاد سازندگی کاری برای آنها انجام نداده است.

اهالی روستا از دولت خواسته اند که جای روستای آنها را به خاطر زلزله خیز بودن تغییر دهد و گویا مسئولان پذیرفته اند. شاید تا سال دیگر خانه های جدید در جای جدید با نام روستای گورزین ساخته شود. هر چند بم پس از دو سال هنوز بم نشده است.

■ ساعت دو که شد زلزله آمد

زلزله ۵/۹ ریشتری که هفته اول آذرماه ۱۳۸۴ حوالی ساعت ۲ بعدازظهر جزیره قشم را لرزاند ۱۰ کشته و حدود یکصد زخمی از خود باقی گذاشت.

این زلزله یکی از روستاهای قشم را ۸۰ درصد تخریب کرد که ۶ نفر مجروح و یک نفر کشته بر جای گذاشت. روستای «کاروان» با ۷۰ درصد تخریب، ۱۰ نفر مجروح و روستای «گربدان» و «بنگالی» با ۶۰ درصد تخریب و ۳ نفر مجروح یادگاران این زلزله بودند.

در روستاهای «گوشه»، «گورزین» و «تورپان» با ۵۰ درصد تخریب ۱۶ نفر مجروح شدند و روستای «خالدین» با ۴۰ درصد تخریب خسارات جانی نداشته است.

این زلزله در روستاهای «زیرانک»، «کردوا» و «پی پشت» با ۳۰ درصد تخریب، ۲ نفر مفقود و ۴ نفر مجروح و روستاهای «زینپی» و «باغ بالا» با ۲۰ درصد تخریب، یک نفر مجروح داشت.

روستای «جی جیان» ۱۰ درصد تخریب و روستاهای «رمکان» و «دیرستان» ۵ درصد تخریب داشت ولی خسارت جانی از خود به جا نگذاشت. در روزهای زلزله ۹۰ نفر امدادگر و ۴۴ نفر پرسنل جمعیت هلال احمر به همراه دو تیم سگ های تجسس، ۳ فروند چرخ بال، ۶ دستگاه تانکر ۲ هزار لیتری، ۲۶ دستگاه کامیون و تریلر، ۳ دستگاه آمبولانس، ۶ دستگاه وانت و ۴ دستگاه سواری وارد قشم شد.

با گذشت یک روز از زلزله یکهزار و ۹۲ دستگاه چادر امدادی، یکهزار و ۷۹۸ تخته موکت، ۳ هزار و ۶۲۰ تخته پتو، ۶۵۵ دست ظروف بین حادثه دیدگان توزیع شد و ۲۶ هزار و ۶۸۴ کیلوگرم برنج، ۱۳ هزار و ۵۱۵ کیلوگرم حبوبات، ۱۰ هزار کیلوگرم قند و شکر، ۴ هزار و ۴۰۰ کیلوگرم روغن، یکهزار کیلوگرم چای، ۶۶ هزار قوطی تن ماهی، ۱۷ هزار و ۵۰۰ قوطی کنسرو لوبیا و ۴۹۱ دستگاه چادر امدادی از جمعیت هلال احمر استان های همجوار به این استان فرستادند.

پس از گذشت دو ماه از زلزله هیات وزیران براساس پیشنهاد وزارت کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی با اختصاص مبلغ ۳۶۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال اعتبار از محل مجوز ماده ۱۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به منظور بازسازی و جبران خسارت های ناشی از زلزله ششم آذرماه سال ۱۳۸۴ به جزیره قشم موافقت کرد.

بر همین اساس مبلغ ۲۱۰ میلیارد ریال اعتبار از وجه فوق در قالب وجوه اداره شده به منظور بازسازی اماکن مسکونی و تجاری تا سقف ۲ هزار و ۵۰۰ واحد در اختیار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی قرار می گیرد تا از طریق انعقاد قرارداد با بانک های عامل در قالب وام ارزان قیمت به آسیب دیدگان پرداخت شود.

براساس این تصویب نامه، سقف فردی تسهیلات به ازای هر واحد مسکونی و تجاری به دلیل بالا بودن هزینه تامین مصالح به طور استثنا مبلغ ۷۰ میلیون ریال تعیین شد.

هیات وزیران ۵۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال هم از اعتبار تصویب شده را در قالب کمک بلاعوض برای کمک به ساخت اماکن مسکونی و تجاری به ازای هر واحد حداکثر ۱۵ میلیون ریال در نظر گرفت که از طریق بنیاد مسکن انقلاب اسلامی اعطا خواهد شد. براساس این مصوبه مبلغ ۲۵ میلیارد ریال از اعتبار تصویب شده به صورت هزینه ای برای پرداخت هزینه های خدمات مدیریت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در امور بازسازی به بنیاد یاد شده تخصیص داده می شود. جزئیات خرج این مصوبات همچنان مشخص نیست و مردم هنوز در چادرها زندگی می کنند. مردم باز هم در انتظار اتفاقند. ولی این اتفاق دیگر زلزله نیست هر چند هر شب زیر دست و پایشان به خاطر پس لرزه ها می لرزد. ولی مردم منتظر اتفاقی مثل یک خبر خوبند. خبر خوب مثل خبر ساخته شدن دوباره خانه ها است.

خلاصه مطلب

۱- ما دکتر نداریم اگر دکتر بخواهیم باید ۳۰ کیلومتر برویم به یک روستای دیگر که باید ۵ هزار تومان کرایه بدهیم تا به آنجا برسیم.

۲- این ۳۵۰ خانوار مشکل معیشت دارند و مردان آنها روزهای بیکاری را تجربه می کنند.

۳- بچه ها جلوی دوربین می ایستند و می گویند اینجا بره است.

۴- زلزله ۵/۹ ریشتری که هفته اول آذرماه ۱۳۸۴ حوالی ساعت ۲ بعدازظهر جزیره قشم را لرزاند ۱۰ کشته و حدود یکصد زخمی از خود باقی گذاشت.

□ یادداشت

حلقه گمشده زلزله

مهدی وجودی

چندی پیش شاهد وقوع زمین لرزه نسبتاً بزرگی در منطقه لرستان بودیم. در این زمین لرزه خوشبختانه به دلیل تجربه حاصل از زلزله شهر بم تلفات جانی در مقایسه با سایر زمین لرزه های کشورمان بسیار پایین بود. از نظر لرزه خیزی استان لرستان در ۱۰۰ سال اخیر شاهد وقوع بیش از ۷۴ زلزله با بزرگای بیش از ۴/۵ (چهار و نیم) بوده و بزرگترین زلزله آن با بزرگای ۷/۴ (هفت ممیز چهار) در بخش سیلاخور در سال ۱۹۰۹ میلادی به وقوع پیوسته است. در همایشی که تحت عنوان «زلزله در دورود، گذشته ـ حال ـ آینده» در زمستان سال ۸۴ در شهرستان دورود برگزار شد، محور اصلی مباحث و مقالات مطرح شده درباره احتمال بالای وقوع زمین لرزه در این منطقه بود.

در گزارش های منتشر شده از سوی سازمان های مرتبط، شاهد آمار و ارقام کمک رسانی ها، نحوه توزیع چادرها و . . . هستیم. ولی با نگاهی گذرا به این گزارش ها متوجه می شویم که در هیچ یک از آنها توجه چندانی به «مردم» نشده است. مردم همان ساکنان بومی منطقه هستند که در معرض مستقیم آسیب های ناشی از زلزله قرار می گیرند. در هر زلزله ای بزرگترین قشر درگیر مردم منطقه هستند، ولی در هیچ یک از این گزارش ها، به صورت دقیق و علمی به نحوه عملکرد مردم پرداخته نشده است. آمار سایر کشورها نشان می دهد که در هر حادثه ای، ۹۰ درصد امداد و نجات ها توسط ساکنان منطقه انجام می پذیرد. یعنی تمام گزارش ها از امداد و نجات گروه های تخصصی مربوط به ۱۰ درصد باقی مانده است. در زلزله لرستان نیز قبل از رسیدن ماموران امداد و نجات مردم آوار برداری ها را انجام داده بودند و زخمی ها و آسیب دیدگان را به مناطق امن منتقل کرده بودند. در زلزله مناطق روستایی با توجه به پراکندگی بسیار زیاد مناطق، دورافتاده بودن آنها و . . . امور امدادرسانی دشوارتر نیز خواهد بود. از سوی دیگر با توجه به آسیب پذیر بودن روستاها در ایران، مطمئناً ما در آینده نه چندان دور نیز شاهد وقوع اتفاقات مشابه در روستاهایمان خواهیم بود.

بنابراین بهترین راهکار در کاهش آسیب ها، ارائه آموزش های مناسب به روستائیان است. این آموزش ها نه تنها در مرحله قبل از زلزله برای ساخت واحدهای ایمن باید ارائه شوند، بلکه برای شرایط پس از زلزله نیز بسیار مفید خواهد بود. در حال حاضر در کشور ما برنامه ای برای بازسازی (مقاوم سازی) مناطق روستایی تدوین شده است. ولی آنچه که باید بر آن تاکید کنیم نقش آموزش در این مرحله است. آموزش های اجتماعی و علمی که اهمیت ساخت یک مسکن امن روستایی را به روستائیان آموزش می دهد، باعث خواهد شد تا این هموطنان گرامی با علم بر ضرورت ساخت چنین سرپناه هایی اقدام به آن نمایند.

در زلزله مناطق روستایی، یکی از بزرگترین آسیب های ناشی از زلزله مربوط به احشام است که در زلزله لرستان هزاران گاو روستائیان در زیر آوارها از بین رفتند. در گزارشی که از یکی از روستاهای آسیب دیده تهیه می شد، یکی از افراد روستایی به طعنه گفت که: «ای کاش پسرم می مرد ولی گاوم زنده می ماند» چرا که در مناطق روستایی گاو و گوسفند یعنی حیات، یعنی زندگی. اما در هیچ یک از گزارش های رسمی شاهد آمار دقیقی از تلفات احشام روستائیان نیستیم. با جمع بندی مطالب فوق باید تاکید کنیم که بحث ایمن سازی و مقاوم سازی مسکن روستایی علاوه بر مسائل فنی، نیازمند مطالعات اجتماعی و استفاده از تجربیات گذشته است. اگر زمینه های فرهنگی ساخت واحدهای مسکونی فراهم نشود مطمئناً پس از زلزله، باز هم شاهد ساخت دوباره واحدها به همان صورت گذشته خواهیم بود. متاسفانه «مردم» حلقه گم شده زلزله در ایران هستند و ارگان ها و سازمان های دولتی می خواهند مشکل زلزله را به تنهایی و با اتکا به توان خود حل کنند که مطمئناً چنین راهکاری به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. مردم و ساکنان عادی اولین گروهی هستند که تحت تاثیر آسیب های ناشی از زلزله قرار می گیرند، با این حال هیچ جایگاهی در طرح های دولت برای کاهش آسیب ها ندارند. مطمئناً دادن وام های بانکی با هر شرایطی برای بازسازی مسکن های روستایی به خودی خود نمی تواند این مشکل بزرگ را حل کند و تا زمانی که آموزش های لازم و دقیق به همراه این وام ها به مردم ارائه نشود، شاهد ادامه ساخت واحدهای ناایمن خواهیم بود. یک نکته قابل ذکر مهم در زلزله مناطق روستایی، مرحله بازسازی دائم است. در حال حاضر روستای دواهوئیه زرند که در زلزله ۴ اسفند سال ۸۳ به صورت کامل آسیب دید، توسط بنیاد مسکن در حال بازسازی است. ولی خانه های بازسازی شده، در همان نگاه اول یک شهرک صنعتی را در ذهن تداعی می کند. خانه های به هم چسبیده بدون حیاط و . . . که به هیچ عنوان با فرهنگ روستائیان این منطقه سازگاری ندارد و این معضل حتی به گونه ای شده که روستائیان حاضر به زندگی در این واحدهای بازسازی شده نبوده و همان چادرهای خود را پس از گذشت یک سال ترجیح می دهند. (این نکته در گزارش ارسالی از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی نیز ذکر شده است.) لذا حتی می بینیم که در مرحله بازسازی نیز «مردم» حلقه گمشده ای هستند که کوچک ترین توجهی به حضور آنها و خواسته های آنها نشده است.

□ بایگانی

زلزله بر گردشگری قشم تاثیر منفی نداشت

ایسنا ۱۳۸۴/۰۹/۲۱: مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری هرمزگان گفت: سواحل جزیره قشم در محدوده قلعه پرتغالی ها برای نخستین بار و با هدف توسعه گردشگری دریایی این منطقه مورد بررسی زیر آب قرار می گیرد. ابراهیم امینی پور با اعلام این خبر افزود: بررسی و باستان شناسی زیر آب سواحل جزیره قشم با هدف دستیابی و شناسایی معماری قلعه پرتغالی ها، شناسایی جنگ افزارها و اشیای زیر آب و همچنین دستیابی به اطلاعاتی ویژه در خصوص موقعیت زیست محیطی جزیره قشم صورت می گیرد. وی تاکید کرد: در صورت دستیابی به نتایج مثبت از بررسی ها و اطلاعات به دست آمده، غواصی زیر آب و بازدید نزدیک معماری قلعه پرتغالی ها برای گردشگران فراهم می شود. به گفته امینی پور عملیات بررسی زیر آب جزیره قشم توسط یک گروه باستان شناسی از پژوهشکده باستان شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری به مدت یک ماه در جزیره قشم، جزیره هرمز، لارک، هنگام، لافت و کنگ ادامه خواهد یافت. مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری هرمزگان همچنین با اشاره به زلزله اخیر جزیره قشم تاکید کرد: این واقعه در گردشگری قشم تاثیر منفی نداشته است. وی خاطرنشان کرد: ورود گردشگران به قشم در بخش های گردشگری و تفریحی و به ویژه تجاری همچنان ادامه دارد.

به آثار تاریخی قشم آسیبی نرسید

ایسنا ۱۳۸۴/۰۹/۰۷: آثار تاریخی قشم در اثر زلزله روز گذشته و پس لرزه های آن آسیبی ندیده اند. صادقی - معاون عمرانی استانداری هرمزگان - درباره آسیب دیدگی احتمالی آثار باستانی و تاریخی قشم گفت: خوشبختانه هیچ یک از آثار تاریخی، به دلیل دور بودن از کانون زلزله، آسیبی ندیده اند. براساس آخرین گزارش ها از زمین لرزه ۹/۵ ریشتری قشم که ساعت ۱۳ و ۵۳ دقیقه و ۳۱ ثانیه روز یکشنبه رخ داد، ۱۰ روستای کاروان، گورزین، کوشه، توریان، خالدین، تنبان، رمکان، گیاهدان، گربدان و ویرانگ در شمال و مرکز این جزیره در حالی به دلیل سازه های غیرمقاوم بین ۵۰ تا ۹۰ درصد تخریب شدند که تاکنون ۱۰ کشته و ۱۰۰ مجروح از حادثه برجای مانده است.

زلزله قشم ۷۰۰ خانواده را آواره کرد

فارس ۸۴/۰۹/۰۷: زمین لرزه دیروز ظهر قشم تاکنون ۷۰۰ خانواده ساکن این جزیره را بی خانمان کرده است، ضمن اینکه ۴۵ مدرسه این شهرستان نیز کاملاً تخریب شده است. دالمن رئیس ستاد حوادث غیرمترقبه استان هرمزگان آمار کشته شدگان این زلزله را ۱۰ نفر و آمار زخمی ها را حدود ۱۰۰ نفر اعلام کرده است. شیخ الاسلام استاندار هرمزگان نیز آمار کشته شدگان را ۶ نفر و ۲ نفر را مفقود شده اعلام کرد اما مسئول روابط عمومی منطقه آزاد قشم تعداد کشته شدگان را ۹ نفر و تعداد مفقودین را ۲ نفر اعلام کرده است. بر اساس این گزارش حدود ۴۰ نفر زخمی سرپایی بودند که معالجه شدند و حدود ۴۰ نفر نیز تحت درمان هستند. استاندار هرمزگان فاصله دریایی قشم تا بندرعباس را دلیل کندی کار اعلام کرده و گفته است که تا غروب امروز همه آسیب دیدگان ساماندهی می شوند. وی همچنین مشکل اصلی شهرستان قشم را ۴۵ مدرسه غیرقابل استفاده اعلام کرد و گفت: باید برای تحصیل دانش آموزان فکری کرد. گفتنی است ۱۵ روستا نیز بین ۳۰ تا ۹۰ درصد آسیب دیده اند که خوشبختانه با برنامه ریزی های انجام شده کمک به آنها در حال انجام است. شدت زلزله دیروز ظهر قشم ۵/۹ ریشتر بود.

۶۵ مدرسه در زلزله قشم کاملاً تخریب شد

فارس: رئیس سازمان آموزش و پرورش استان هرمزگان با بیان اینکه در هر شرایطی کلاس های درس برگزار خواهد شد، گفت: در زمین لرزه دیروز ظهر در قشم، ۶۵ مدرسه به طور کامل تخریب شد. مهدی سیاری افزود: در زلزله روز گذشته ۶۵ مدرسه ما در شهرستان قشم و روستاهای اطراف کاملاً تخریب شدند اما این موضوع به این معنی نیست که کلاس ها برگزار نمی شود. وی اضافه کرد: کلاس های درسی را در چادر برگزار می کنیم و به هیچ عنوان مدارس تعطیل نخواهد شد. سیاری ادامه داد: خوشبختانه به رغم اینکه زمین لرزه در ساعت تحصیل دانش آموزان روی داد اما شانس آوردیم و حادثه ای ناگوار برای دانش آموزان پیش نیامد. وی خواستار توجه مسئولان آموزش و پرورش و دیگر مسئولان کشور به مدارس فرسوده این استان شد و اظهار داشت: ۳ هزار و ۸۰۰ مدرسه وجود دارد که یک هزار و ۵۰۰ مدرسه شامل ۸ هزار کلاس تخریبی هستند.

بودجه برای بازسازی واحدهای آموزشی

ایلنا ۱۳۸۴/۰۹/۱۱: محمود فرشیدی وزیر آموزش و پرورش در حاشیه سفر رئیس جمهور به استان ایلام در جمع خبرنگاران در خصوص بازسازی مدارس منطقه زلزله زده قشم گفت: در نشست اخیر، بودجه نسبتاً خوبی برای واحدهای آموزشی و اداری تخریب شده در منطقه زلزله زده قشم تصویب شد. وی همچنین درباره مقاوم سازی و بازسازی مدارس استان ایلام گفت: در جلسه شب گذشته هیات دولت، مصوباتی برای بازسازی مدارس استان ایلام داشتیم که امیدواریم با این مصوبات بخشی از مشکلات استان حل شود.